



۲۰۱۷/۰۱/۲۵



بهاؤل ملک

## شرح حال عبدالملک عبدالرحیم زی

در آثار نویسنده گان

بخش هفتم



دسائس و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست محمد تا ببرک

نویسنده: دکتر ش. ن. حق شناس

پشاور چاپ دوم

صفحات ۱۸۵ و ۱۸۶

محمد داود خان به تاریخ ۲۸ سنبله کابینه اش را معرفی کرد که محمد نعیم برادرش به سمت معاون صدراعظم و وزیر امور خارجه و عبدالملک خان عبدالرحیم زی به حیث کفیل وزارت مالیه مقرر گردیدند و دوره دیگری در تاریخ کشور آغاز گردید.

ماجرا چگونه آغاز و چطور پایان یافت؟

خوانندگان ارجمند به خوبی آگاه اند که ملت مظلوم افغانستان بخصوص از یک قرن و اند سال به اینطرف در بدترین شرایط و سیه ترین ایام بسر برده اند. حکایت ها و افسانه هائی از آدم کشی ها، سفاکی ها، بیدادگری ها، سیاه کاری ها و سیه چاه ها در بین مردم و حافظه کهن سالان موجود است که به آسانی نمی توان آنرا باور کرد. موجودیت دستگاه های وحشتناک جاسوسی، زندان های هولناک و انواع وسایل عذاب و شکنجه مردم را در چنان وضعی قرار داده بود که مرگ را بر زندگی ترجیح میدادند. اهم تلاش و سیاست این بوده تا مردم را گرسنه نگهدارند،

بی سواد باشند، تحت فشار قرار گیرند، تا نتوانند گردن بر افرازند و باد و بخاری در کله شان راه یابد. چون قدرت را بدون استحقاق و به حمایت استعمار تصاحب کرده بودند، سخت می کوشیدند از دست شان نرود و در برابر خشم و انتقام جوئی قرار نگیرند. ادارات دولتی و مراجع فرمانروائی و تصمیم گیری همه در دست یک خانواده و افراد وابسته به ایشان بود. و بقیه ملت جز حیثیت غلام و برده از امتیازی برخوردار نبودند.

عمال و گماشتگان دولت هر کاری که دل شان می خواست انجام میدادند، هیچکس بر جان و مال خویش اطمینان نداشت و رشوه ستانی و بی عدالتی به اوج خود رسیده بود. توجه به خود و معیشت خود و بی اعتنائی به مردم بین طبقه حاکم و مردم فاصله های عمیقی ایجاد کرده بود و به تدریج بزرگتر و بزرگتر می شد. هیچکس به مشکلات جامعه و رفع نیازمندی های افراد کشور نمی اندیشید. بهترین راه را برای ادامه و بقای خویش در آن می دانستند تا به جای رأفت و مروت و محبت، شدت و خشونت را در جامعه حکمفرما سازند و دار و زندان و برچه را جاگزین قانون و عدالت و انسانیت نمایند، و این وضع که سالیان دراز ادامه داشت وضع جامعه را به حال خودکشی و قیام و انفجار در آورده بود. بنا بر این مصلحت اندیشی دربار و افراد مربوط به آن جهت بقای فرمانروائی حکم می کرد تا با آوردن شاه محمود خان بر روی صحنه و بر کناری محمد هاشم خان و پخش شعار های آزادی و دیموکراسی، عقده های مردم را در گلوی شان باز کنند و فرصتی فراهم نمایند تا نفس های گره خورده بر هوا شود. و در عین حال جنبش های زیر زمینی و آزادیخواه مورد آزمایش و شناسائی قرار گیرد.

این کار با مهارت و زرنگی در مرحله عمل قرار گرفت و به زودی دریافتند که حدس شان در بیداری ملت بیجا نبوده و مردم شایستگی آنرا دارند که نیک و بد را از هم تمیز کنند و در سرنوشت خویش سهم مؤثر و عملی گیرند.

آزادی مطبوعات، انتخابات پارلمانی، به وجود آوردن احزاب و انجمن ها و مساعد ساختن تظاهرات خیابانی همه از جمله آزمایش هائی بود که فرمانروایان افغانستان آنرا به کار بردند، و ادامه اوضاع خطرانی را برای بقا و ادامه فرمانروائی شان در پی خواهد داشت، فوراً دست به کار شدند و با آوردن محمد داود بر صحنه قدرت و سیاست، آن همه بساط آزادی و دیموکراسی تصنعی را در هم پیچیدند. البته عوامل مختلف دیگری نیز طبعاً در تداوم آن دیکتاتوری ها و این دیموکراسی وجود داشت که در مباحث قبلی جای جای به آن اشاره شده است. روش ها و سیاستی که از آن یاد کردیم بعد از تغییر قانون اساسی در سال ۱۳۴۳ ش بار دیگر به آزمایش گذاشته شد. و چنانکه دیدیم باز هم کلید کار و جریان امور در دست خود ایشان بود و هرکس که از حدود بردگی پا فراتر گذاشت بیرحمانه کوبیده شد و افراد و رجال زیادی را روی صحنه آوردند و به دور افگندند که در جایش از آن به تفصیل صحبت خواهیم کرد. اما همانطور که در صفحات قبلی بیان داشتیم از آنها به تفصیل صحبت خواهیم کرد. این همه بازی ها و عواملش به دست روس ها اسباب بازی می شد و مجریان امور را در شرایطی قرار میداد که از قبول آن ناگزیر بودند.

صفحه ۲۰۷

به تاریخ ۱۲ حمل ۱۳۳۶ ش مطابق اول اپریل ۱۹۵۷ نماینده خاص رئیس جمهور امریکا وارد کابل شد و پیام رئیس جمهور آن کشور را به مقامات عالی کشور تقدیم نمود. گرچه در باره مأموریت وی و متن پیام، خبری انتشار نیافت، اما جریانات بعدی نشان داد که، رئیس جمهور امریکا آمادگی اش را جهت کمک به افغانستان اعلام و تشویق و نگرانی ایالات متحده را از نفوذ روز افزون روس در افغانستان اظهار کرده بود.

پس از دریافت پیام رهبر امریکا، محمد داود خان به خارج رفت و از کشور های ترکیه، چکوسلواکیا، مصر و پولیند

دیدن نمود. در بازگشت محمد داود خان از خارج، وزیر مالیه عبدالملک خان عبدالرحیم زی در رأس هیأتی عازم امریکا شد تا در باره کمک های موعود و اوضاع مالی و اقتصادی افغانستان با زعمای ایالات متحده مذاکره کند. سفر مذکور بسیار سازنده و موفقیت آمیز بود و چنانکه خواهیم گفت کمک های غیر قابل تصویری به افغانستان وعده داده شد.

صفحات ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰

در اوایل سرطان ۱۳۳۶ ش (اواخر جون ۱۹۵۷) دولت امریکا مبلغ یک ملیون و ششصد هزار دالر جهت اعمار پوهنتون کابل اختصاص داد و قرضه پنج ملیون و هفت و نیم لک کددار بین افغانستان و امریکا به امضاء رسید و نیز ضمن قرار داد دیگری مبلغ یک ملیون و یک صد و شانزده هزار دالر امریکائی به وزارت مالیه کمک داده شد.<sup>۱</sup> که این همه کمک ها در یک زمان و در دهه اول برج سرطان همان سال صورت گرفت. و مسلماً نتیجه مذاکراتی بود که بعضی مقامات فرهنگی و اقتصادی کشور، بخصوص عبدالملک خان وزیر مالیه با زعمای ایالات متحده انجام داده بود. کمک های مذکور شایعاتی را در کابل برانگیخت که ممکن در مسیر سیاسی افغانستان تغییری وارد آید و به حیث یک کشور بیطرف بتواند پای خود را از زنجیر استعمار روس فرا کشد. روس ها هم که از سفر عبدالملک خان و نتایجش بسیار خشمگین و نگران بودند و فکر می کردند نقشه های شان در نیمه راه خنثی خواهد شد، دست به کار شدند و از طریق سازمان های اطلاعاتی خود و به همکاری محمد نعیم خان معاون صدارت و وزیر خارجه که از قدرت و اعتبار روز افزون و کار آگاهی عبدالملک خان رنج می برد، توطئه بزرگ و خطرناکی را طرح کردند و توسط شبکه های استخباراتی روس در گوش شاه و محمد داود خان چنان زمزمه کردند که عبدالملک خان وزیر مالیه به یاری و کمک ایالات متحده قصد کودتا و بر انداختن نظام را دارد و در هنگام اداء نماز عید آنرا عملی خواهد کرد.<sup>۲</sup> و حتی شنیده می شد که اسنادی هم به دست دارند مگر تا امروز هم از آن اسناد اثری دیده نشد و هر گاه چنان چیزی وجود می داشت حتماً آنرا غرض تبرئه خود، در جراید به نشر می رسانیدند.

علی الحال محمد داود خان با همه نزدیکی و صمیمیت و اعتماد به عبدالملک خان نمی توانست در برابر چنان توطئه خطرناک بی تفاوت بماند و آنرا نادیده انگارد، مخصوصاً که برادرش نیز به آن صحه گذاشته و او را باعث سرنگونی رژیم قلمداد کرده بود. لذا بی تأمل و جنون آسا چون تصمیمات دیگرش اقدام به گرفتاری او کرد.<sup>۳</sup> و قبل از عید به تاریخ شب دهم جولای ۱۹۵۷ مطابق ۱۳۳۶ ش عبدالرسول خان (معروف به رسول جان) رئیس ضبط احوالات را به خانه عبدالملک خان فرستاد تا او را به بهانه ای از خانه بیرون سازد و به زندان برد.

وی نزد عبدالملک خان رفت و به نام اینکه امر بسیار عاجل و مهمی اتفاق افتاده و سردار صاحب (محمد داود خان) انتظار شما را دارد، آن مرد را از خانه اش با لباس خواب کشید و راساً به صدارت برد و توسط نظامیانی که در آنجا مأموریت داشتند، گرفتار و زندانی اش نمود که تا کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ در زندان ماند. او بار ها با این لباس به خانه محمد داود خان رفته بود و فکر می کرد مثل همیشه با وی کار و مصلحتی دارد و یا اینکه از برخورد های لفظی او با محمد نعیم خان آگاهی یافته و در باره با وی صحبت خواهد کرد و اصلاً تصور نمی کرد که محمد داود با آنهمه

دوستی ها روزی او را راهی زندان کند و شاه که کلید خزاین ارگ را به وی سپرده بود، به این سادگی و کم لطفی مورد غضبش قرار دهد.

متأسفانه خود عبدالملک خان تا آخرین روز های حیاتش هم واقف نبود که چه دستی و کدام توطئه ای او را به زندان افگند و از اوج جاه به حضيض ذلتش کشید؟ و هرگز فکر نمی کرد که روس ها آنهمه بلا و مصیبت را بر وی وارد کردند تا جلو کارهای او را بگیرند و نگذارند جز خود ایشان کشور دیگری در افغانستان راه و نفوذ داشته باشد. به حق باید گفت که او در امور مالی و اقتصادی استعداد فوق العاده ای داشت و چون در ترکیه تحصیل کرده بود، سیستم کار دواپر را در امور مالی به شیوه آن کشور در آورد و در مدت کم کار های زیادی انجام داد. و هرگاه اوضاع به همانگونه ادامه می یافت وضع مالی و اقتصادی کشور بلا تردید بهبود پیدا می کرد و امکان داشت از افتادن به دامن روس و نفوذ اقتصادی و سیاسی آن تا حدودی جلوگیری می شد.

### بهره برداری روس ها از این توطئه

روس ها از این توطئه خویش به نحو مطلوب و بی سابقه ای بهره برداری و استفاده نمودند که امکان آن در حال عادی ممکن ولی طولانی به نظر می رسید. ایشان توانستند با این بازی زیرکانه و خطرناک دست امریکا را از یاری در برنامه های انکشافی و اقتصادی افغانستان قطع کنند و دربار را به این باور وادارند که روس ها او را از خطر سقوط و سرنگونی نجات بخشیده و یار و یاور همیشگی و قابل اعتماد شاه و افغانستان هستند. سرعت نتیجه کارشان در دگرگونی اوضاع و تغییری ذهنیت دربار و محمد داود به حدی بود که یک هفته بعد از گرفتاری عبدالملک خان و تعدادی دیگر از همکاران و رفقاء و نزدیکانش، شاه به مسکو رفت<sup>۴</sup> و پسر کاکایش محمد نعیم خان معاون صدارت و وزیر امور خارجه نیز وی را همراهی می کرد.

در اعلامیه ای که پس از مذاکرات وزیر خارجه روس و محمد نعیم انتشار یافت نکات تکان دهنده و اسفباری به ملاحظه می رسید. به این جهت که در اعلامیه مذکور موافقت شده بود که روس ها بدون قید و شرط به تحقیقات جیالوجی در صفحات شمال کشور اقدام کنند و معاهده سرحدی و امکانات استفاده از آب های سرحدی را مطالعه نمایند.<sup>۵</sup>

در واقع این اعلامیه خنجری بود که در قلب ملت افغانستان فرو رفت و استعمار و استثمار روس عملاً در افغانستان آغاز گردید. دستیابی به چنین هدفی از جمله آرزو هائی بود که روس ها سالیان دراز در جست و جوی آن بودند. این قرارداد که در اواخر جولای و اوایل اگست ۱۹۵۷ صورت گرفت، همه مطالعات و تحقیقات کار شناسان نفت و جیالوجی ملل متحد را نقش بر آب کرد و پای آنان و سایر کشور ها را برای همیشه از سمت شمال کشور قطع نمود. و به طور کلی این قرارداد کلید ثروت های طبیعی افغانستان را به صورت انحصاری در دست روس ها قرار داد و زمینه های بردگی و اسارت مردم ما را هموار تر و سریع تر ساخت.

از آن تاریخ به بعد چندین هزار روسی از سازمان های اطلاعاتی و جاسوسی آن کشور به نام های متخصص نفت و کار شناس جیالوجی وارد افغانستان گردید. اما در اعلامیه مشترکی که به تاریخ ۳۰ جولای ۱۹۵۷ مطابق اسد

۱۳۳۶، از سوی شاه و صدر هیأت رئیسه اتحاد شوروی انتشار یافت، جز همان کلمات تشریفاتی واجد نکات خاصی نبود. اصل مطلب و هدف کلی همان قرارداد تحقیقات جیولوجی و تفحصات نفت بود که محمد نعیم خان در پاداش از بین بردن حریفش عبدالملک خان، در طبق اخلاص نهاد و به روس ها پیشکش نمود.

در جریان این مذاکرات و قرار داد ها در مسکو، قرارداد سامان آلات و پرزه های احتیاطی مورد نیاز فابریکه قیرریزی بلدیة کابل نیز به قیمت معادل سی هزار دالر بین افغانستان و روس در کابل به امضاء رسید. شاه پس از ختم سفرش به مسکو عازم ترکیه شد و محمد داود خان نیز یک ماه بعد از قرارداد ننگین برادرش با روس، عازم چین گردید تا به مردم نشان دهد که او هنوز هم از تصمیم گیری های آزاد و سیاست های عنعنوی و بیطرفی افغانستان پیروی می کند. ولی ارمغانی از این سفر با خود نداشت.

صفحه ۲۱۲

بهر حال بعد از دگر گونی هائی که در افغانستان اتفاق افتاد، بخصوص گرفتاری عبدالملک خان و سفر شاه به مسکو و قرار داد های امتیاز تفحصات نفت و تحقیقات جیولوجی و امثال آن، دنیا را بار دیگر به حیرت افگند و نگرانی هائی را ببار آورد و درین احوال آیزنهاور رئیس جمهور امریکا از محمد داود خان دعوت کرد تا به امریکا سفر کند.<sup>۷</sup>

- ۱- روزنامه اصلاح، مورخ ۵ سرطان ۱۳۳۶ شمسی.
- ۲- در آن سال ها معمولاً نماز های عید به اشتراک شاه و صدراعظم در مسجد عیدگاه مقابل «چمن حضوری» خوانده می شد و از آن سال به بعد کسی دیگر در آن مسجد نماز عید نخواند و تا امروز هم متروک است. شاید به همین دلیل بود که از آن تاریخ به بعد کسی آن مسجد را ترمیم هم نکرد و اکنون به حال ویرانه ای در آمده است.
- ۳- در باره گرفتاری و اتهامی که برای عبدالملک خان وارد کردند رجوع کنید به روزنامه اصلاح مورخ ۱۹ سرطان ۱۳۳۶ هـ ش.
- ۴- روزنامه اصلاح، ۲۵ سرطان ۱۳۳۶ ش مطابق ۱۷ جولای ۱۹۵۷ صفحه اول.
- ۵- روزنامه اصلاح، ۹ اسد ۱۳۳۶ ش مطابق اول اگست ۱۹۵۷، صفحه اول.
- ۶- روزنامه اصلاح، ۲۷ میزان ۱۳۳۶ ش مطابق ۲۰ اکتبر ۱۹۵۷، صفحه اول.
- ۷- روزنامه اصلاح، ۷ حوت ۱۳۳۶ ش مطابق ۲۵ فیروزی ۱۹۵۸.

پایان بخش هفتم

یار زنده صحبت باقی

ادامه دارد...

در بخش هشتم، نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاست های سردار محمد داود، مؤلف: داکتر عاصم اکرم